



شنبه ۱۱ مهر ۱۴۰۵

وطن امروز | شماره ۴۷۲۲

صفحه آخر

پیامبر اعظم (ع)

نگاه کردن فرزندان به پدر و مادرش از روی محبت، عبادت محسوب می‌شود.

روزنامه سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی

صاحب‌امتیاز و مدیرمسئول: محمد آخوندی

مدیرعامل: رضا شکیبایی

سردبیر: سید عابدین نورالدینی

نشانی: خیابان انقلاب اسلامی، بین حافظ و خیابان ولیعصر(عج)، کوچه سعید، پلاک ۹

روابط عمومی: ۶۶۴۱۳۷۹۴ | تلفن: ۶۶۴۱۳۷۸۳ | فاکس: ۶۶۴۱۳۱۳۷

پایمان‌سان: @vatanemrooz | پست الکترونیک: info@vatanemrooz.ir

چاپ: ایران کهن



بن‌بست صادرات گاز قطر و فرصت بزرگ معامله گازی برای ایران

خسارت ۲۴ میلیارد دلاری به گاز قطر



گروه اقتصادی: قطر سال‌ها یکی از مطمئن‌ترین نام‌ها در بازار جهانی گاز بوده؛ کشوری کوچک در کرانه خلیج فارس که با تکیه بر میدان عظیم گنبد شمالی، کشتی‌های مخصوص حمل گاز مایع را یکی پس از دیگری از رأس‌الفان راهی چین، ژاپن، کره، هند و اروپا می‌کرد. خریدار هم برای گاز قطر کم نبود و دوحه نیز میلیاردها دلار خرج کرده بود تا ظرفیت تولید خود را باز هم افزایش دهد. معادله بسیار ساده بود: تولید گاز در قطر، تبدیل آن به مایع، عبور کشتی از تنگه هرمز و بازگشت پول به دوحه. جنگ رمضان اما این تصویر را در چند ماه بر هم زد. بر اساس گزارش اخیر رویترز، قطر طی حدود ۶ ماه نزدیک ۲۴ میلیارد دلار فروش گاز را از دست داده است. صادرات LNG این کشور ۹۶ درصد پایین آمده و بر پایه داده‌های مؤسسه ICIS، تنها ۱۸ محموله از قطر خارج شده، در حالی که در دوره مشابه سال قبل ۵۰۹ محموله صادر شده بود. پیش از جنگ، قطر نزدیک یک‌پنجم عرضه روزانه LNG جهان را تأمین می‌کرد. بنابراین آنچه فعلاً می‌توان ادعا کرد این است که یکی از ستون‌های بازار جهانی گاز برای چند ماه از مدار عادی خارج شده است.

این اتفاق یک نکته قدیمی درباره جغرافیای انرژی را دوباره پیش چشم بازیگران منطقه گذاشته است: داشتن گاز با امکان رساندن آن به مشتری یکی نیست. قطر در زیر زمین ثروتی عظیم دارد، کارخانه‌های پیشرفته مایع‌سازی ساخته و قراردادهای طولانی با بزرگ‌ترین اقتصادهای دنیا بسته اما تقریباً تمام LNG تولیدشده در رأس‌الفان برای رسیدن به آب‌های آزاد باید از تنگه هرمز عبور کند.

همین نقطه ضعف اکنون می‌تواند آرایش صادرات گاز در غرب آسیا را تغییر دهد؛ تغییری که برای ایران دربردارنده یک فرصت اقتصادی است، البته به شرط آنکه از درجه منطق تجارت، زیرساخت و منافع مقابل به آن بنگرد.

■ **کوچ مشتریان از سبب گازی قطر**

شرکت دولتی «قطر انرژی» در روزهای اخیر بار دیگر وضعیت فورس‌ماژور را برای شماری از مشتریان اروپایی و آسیایی تمدید کرده است. شرکت ایتالیایی ادیسون اعلام کرده دریافت گاز قطر تا ۲ ماه آینده متوقف خواهد ماند. در مجموع ۳۵ محموله این شرکت از دست رفته و ادیسون برای ۲۳ محموله جایگزین پیدا کرده که بخش مهمی از آن، از عرضه‌کنندگان آمریکایی خریداری شده است. پاکستان و بنگلادش نیز از مشتریانی هستند که با تمدید محدودیت تحویل مواجه شده‌اند.

پیام این اتفاقات این است که وقتی یک صادرکننده برای چند ماه نتواند قرارداد خود را اجرا کند، مشتری منتظر بازگشت شرایط سابق نمی‌ماند. مدیر یک نیروگاه، شرکت گاز یا وزارت انرژی باید برق زمستان مردمش را تأمین کند، بنابراین تلفن را برمی‌دارد و سراغ فروشنده دیگری می‌رود.

در بازار انرژی، این تماس تلفنی ساده گاهی آغاز یک تغییر بزرگ است. بعضی کشورها در ماه‌های گذشته بخشی از خلأ قطر را پر کرده‌اند. عرضه‌کنندگان دیگر نیز سهم بیشتری گرفته‌اند. برخی محموله‌ها با عملیات دشوار انتقال کشتی به کشتی در بیرون تنگه هرمز جایبه‌جا شده‌اند، روشی که رویترز آن را برای LNG نادر و پیچیده توصیف کرده است. در هفته‌های اخیر حرکت تعدادی از کشتی‌های مرتبط با قطر از تنگه هرمز دوباره مشاهده شده اما جریان صادرات هنوز با شرایط عادی پیش از جنگ فاصله دارد. برای قطر مسأله فقط درآمد امسال نیست، خطر اصلی آن است که بحران چندماهه به تغییر رفتار چندساله خریداران منجر شود.

■ **شوگ قیمت‌ها و جست‌وجو برای مسیر امن‌تر**

چین نمونه روشنی است. برآورد کپلر نشان می‌دهد واردات LNG چین در ماه گذشته به حدود ۵۳ میلیون تن رسیده که ۸ درصد کمتر از سال گذشته است. قیمت نقدی LNG آسیا نیز پس از عبور از ۲۰ دلار برای هر میلیون واحد حرارتی در ۲ ماه پیش، اوایل ماه گذشته تا حدود ۲۶ دلار بالا رفت. این افزایش،

خرید گاز را برای بسیاری از مشتریان آسیایی دشوار کرد. برآورد کپلر از واردات کل LNG آسیا در ماه گذشته حدود ۲۰۰۹ میلیون تن است؛ یعنی پایین‌ترین میزان در ۸ سال اخیر.

بخش مهم‌تر خبر اما در پشت همین اعداد قرار دارد. شرکت‌های بزرگ دولتی چین در حال بررسی قراردادهای بلندمدت با صادرکنندگانی هستند که انتقال گازشان به عبور از تنگه هرمز وابسته نباشد. یکن قراردادهای موجود با قطر را کتا نمی‌گذارند ولی می‌خواهد خطر تمرکز عرضه در خلیج فارس را کاهش دهد.

اروپا نیز به همین مسأله رسیده است. ذخایر گاز این قاره در آستانه زمستان پایین‌تر از سال قبل است و اتحادیه اروپا حدود ۸۰ درصد گاز مصرفی خود را از خارج تأمین می‌کند. افزایش قیمت و محدودیت عرضه، مقام‌های اروپایی را به بررسی کاهش مصرف و یافتن منابع دیگر واداشته است.

■ **قمار چند میلیارد دلاری روی تنها راه خروجی**

این بحران در بدترین زمان ممکن برای برنامه توسعه قطر رخ داده است. دوحه در سال‌های گذشته میلیاردها دلار روی افزایش ظرفیت LNG سرمایه‌گذاری کرده است. ظرفیت کنونی آن حدود ۷۷ میلیون تن در سال است. «قطر انرژی» برنامه دارد با توسعه بخش شرقی میدان شمالی این عدد را به ۱۱۰ میلیون تن، سپس با بخش جنوبی به ۱۲۶ میلیون تن و در مرحله بعد تا پایان ۲۰۳۰ به ۱۴۲ میلیون تن در سال برساند و این یعنی افزایشی حدود ۸۵ درصدی نسبت به ظرفیت اولیه.

بازار جهانی نیز قرار بود بخش بزرگی از این گاز را جذب کند. آژانس بین‌المللی انرژی پیش‌بینی کرده بود صدها میلیارد مترمکعب ظرفیت تازه مایع‌سازی تا پایان دهه وارد مدار شود. با این حال همین آژانس اکنون هشدار می‌دهد بحران خاورمیانه مسیر بازار جهانی گاز را تغییر داده و ابهام درباره بازگشت کامل جریان LNG از هرمز همچنان بالاست.

پس قطر با یک تناقض روبه‌رو است: ظرفیت تولیدش در حال بزرگ‌تر شدن است اما ریسک مسیر صادراتش نیز آشکارتر شده است. کارخانهای را تصور کنید که خط تولید خود را ۲ برابر کرده، انبارهایش را توسعه داده و مشتریان تازه پیدا کرده ولی تنها جاده خروجی آن هر چند سال یک بار ممکن است بسته شود. مدیر کارخانه دیر یا زود سراغ جاده دوم می‌رود، حتی اگر ساخت آن ارزان نباشد. اینجاست که جغرافیای ایران اهمیت می‌یابد.

■ **ایران و مسیر دوم گاز**

ایران و قطر روی ۲ سوی یک مخزن عظیم گازی نشسته‌اند؛ میدان شمالی قطر در سمت ایران همان پارس جنوبی است؛ یکی از بزرگ‌ترین مخازن گازی جهان. اداره اطلاعات انرژی آمریکا نیز این دو بخش را یک ساختار زمین‌شناسی مشترک معرفی می‌کند. تا امروز ۲ کشور عمدتاً از ۲ مسیر جداگانه این ثروت مشترک را به بازار رسانده‌اند. قطر بر LNG و کشتی تکیه کرده و ایران شبکه عظیم خط لوله داخلی، صادرات به همسایگان و مصرف گسترده داخلی را توسعه داده است. اختلال در تنگه هرمز می‌تواند منطق سومی ایجاد کند؛ یعنی پیوند محدود و مرحله‌ای شبکه گاز قطر با شبکه ایران.

به این معنی که بخشی از گازی که قطر در سال‌های آینده تولید می‌کند، به جای مایع‌شدن و عبور دریایی از تنگه هرمز، با یک خط لوله زیردریایی وارد جنوب ایران شود. این گاز پس از ورود به شبکه ایران می‌تواند ۳ کاربرد داشته باشد: جبران بخشی از کسری فصلی داخل کشور، سوآپ با گاز ایران در شمال و غرب، انتقال قراردادی به بازارهایی مانند ترکیه و عراق.

■ **فرصت ایران برای تسخیر بازار انرژی**

واردات یا سوآپ گاز قطر می‌تواند دستاوردهای اقتصادی و استراتژیک قابل توجهی برای ایران به همراه داشته باشد. نخستین سود چنین طرحی، بهینه‌سازی شبکه داخلی و ایجاد ظرفیت‌های تازه برای توسعه صنعتی است. به این معنا که ایران می‌تواند با در اختیار داشتن این گاز و هدایت آن به سوی نیروگاه‌ها، صنایع و

مجموع‌های پتروشیمی، به رشد تولید شتاب ببخشد و هم‌زمان گاز تولیدی میادین جنوبی خود را برای صادرات به مقاصد دیگر آزاد کند. با این رویکرد، ایران از ظرفیت‌های جغرافیایی خود برای پویایی بیشتر در بازار انرژی بهره خواهد برد.

دومین منفعت مهم این همکاری، تقویت جایگاه منطقه‌ای ایران از طریق بازار ترکیه است. با توجه به پایان دوره قرارداد گازی ایران و ترکیه و تمایل آنکارا به تنوع‌بخشی منابع تأمین انرژی، ورود گاز قطر می‌تواند زمینه‌شکل‌گیری یک دالان ترانزیتی راهبردی در مسیر «جنوب خلیج فارس - ایران - ترکیه» را فراهم کند. این دالان نه‌تنها سبب انرژی ترکیه را متنوع می‌کند، بلکه برای قطر یک مسیر صادراتی مطمئن از طریق خشکی می‌سازد و مهم‌تر از همه، جایگاه ایران را از یک صادرکننده صرف به هاب کلیدی و حلقه انتقال انرژی در منطقه ارتقا می‌دهد.

باوجود این چشم‌انداز روشن، تحقق انتقال حجم‌های بسیار بالا مانند ۴۰ میلیارد مترمکعب در سال، نیازمند توسعه زیرساخت‌ها، احداث خطوط لوله دریایی بزرگ، ایستگاه‌های تقویت فشار، تأمین مالی و توافقات بین‌دولتی است. از این رو منطقی‌ترین مسیر، آغاز کار با ظرفیت‌های کوچک‌تر و توسعه تدریجی آن است. تجربه موفق خط لوله «دلفین» که گاز قطر را به امارات و عمان منتقل می‌کند، نشان می‌دهد صادرات خط لوله‌ای از قطر از نظر فنی کاملاً ممکن و آموخته‌شده است و می‌تواند الگوی مناسبی برای اتصال شبکه گازی ۲ کشور باشد.

پایبندی چنین قراردادهایی در گرو تأمین منافع متقابل و اقتصادی برای ۲ طرف است. ایران برای جذب گاز قطر و تبدیل شدن به شریک راهبردی این کشور باید مسیر خود را به یک گزینه کاملاً رقابتی تبدیل کند. رقابت واقعی در همین نقطه شکل می‌گیرد؛ جایی که ایران با ارائه یک بستر ارزان‌تر، ایمن‌تر و با قابلیت تحویل بالا، مسیر ترانزیتی خود را برای دسترسی به بازارهای هدف به گزینه‌ای جذاب و بی‌بدیل برای دوحه تبدیل کند.

■ **طرحی ۳ مرحله‌ای**

طرح ایران می‌تواند از پروژه‌های بسیار بزرگ آغاز نشود. راه محتاطانه‌تر ۳ مرحله دارد. در مرحله نخست، ایران و قطر می‌توانند یک سازوکار مبادله گاز و همکاری اضطراری طراحی کنند. قطر در دوره‌های محدودیت صادرات دریایی، مقداری گاز به ایران تحویل دهد و ایران معادل آن را در نقطه‌ای دیگر، برای نمونه در مرز ترکیه یا عراق، تحویل مشتری مورد توافق دهد.

مرحله دوم، ساخت اتصال مستقیم میان شبکه قطر و جنوب ایران است. ظرفیت اولیه می‌تواند محدود باشد و پس از آزمون اقتصادی و فنی افزایش یابد. از نگاه ایران اولویت باید جلوگیری از تبدیل شدن این پروژه به مسیری باشد که صرفاً خاک کشور را در اختیار تجارت دیگران قرار دهد. حق ترانزیت، دسترسی به بخشی از گاز، سرمایه‌گذاری در تقویت شبکه داخلی و امکان صادرات مشترک باید در قرارداد دیده شود.

مرحله سوم، ایجاد یک بازار منطقه‌ای گاز است. شبکه‌ای که قطر، ایران، عراق، ترکیه و در صورت فراهم شدن شرایط دیگر همسایگان را به هم متصل کند. چنین مدلی وابستگی مطلق منطقه به کشتی LNG را کم می‌کند و ایران را در مرکز یکی از معدود مسیرهای زمینی شرق به غرب قرار می‌دهد.

■ **رقابت تازه غرب آسیا**

آشنختگی پیامد جنگ، یک حقیقت را آشکار کرد که سال‌ها زیر درآمدهای بالای انرژی پنهان مانده بود؛ کشورهای جنوب خلیج فارس هر کدام آسیب‌پذیری ویژه خود را دارند: قطر گاز فراوان دارد اما LNG آن به یک گلوگاه دریایی وابسته است، ایران جغرافیا و شبکه گسترده خط لوله دارد، ترکیه بازار بزرگ و شبکه انتقال به اروپا دارد ولی واردکننده انرژی است و عراق هم‌زمان تولیدکننده نفت و نیازمند گاز وارداتی برای برق است.

کنسار هم قرار گرفتن همین نقاط ضعف و قوت می‌تواند زمینه یک معامله اقتصادی را بسازد. همان‌طور که اشاره شد ۲۳ محموله‌ای که ادیسون برای جبران گاز از دست رفته قطر تهیه کرده، عمدتاً از عرضه‌کنندگان آمریکایی آمده است و این یعنی هر ماهی که بی‌اطمینانی ادامه یابد، قراردادهایی در بازار جهانی شکل می‌گیرد که بازگرداندن آنها برای قطر آسان نخواهد بود.

تنگه هرمز طی ماه‌های گذشته قدرت جغرافیا را بار دیگر به بازارهای جهان یادآوری کرده است. برآورد آژانس بین‌المللی انرژی نشان می‌دهد پیش از بحران، نزدیک ۲۰ درصد عرضه LNG جهان از این مسیر عبور می‌کرد. اختلال در همین آبره کافی بود تا قیمت گاز بالا برود، واردات آسیا کاهش یابد و اروپا برای ذخایر زمستانی نگران شود.

ایران نیز می‌تواند این موقعیت را به دارایی اقتصادی تبدیل کند. ارزش پایدار جغرافیا زمانی ساخته می‌شود که دیگران برای استفاده از آن قرارداد امضا کنند، سرمایه بیابردند و شبکه‌های‌شان را به آن گره بزنند. ضربه ۲۴ میلیارد دلاری به فروش گاز قطر از این نظر حامل یک پیام اقتصادی مهم است. همسایه جنوبی کشور ما اکنون با هزینه واقعی وابستگی شدید به یک مسیر دریایی روبه‌رو شده است و خریدارانش نیز مفهوم تنوع مسیر را جدی‌تر گرفته‌اند.

پاسخ هوشمندانه، ساختن پیشنهادی است که قطر با حساب سود و زیان خود آن را انتخاب کند. خط لوله مشترک، سوآپ گاز، تقویت مسیر ایران و ترکیه و همکاری برای تأمین بازار عراق می‌تواند اجرای چنین پیشنهادی باشد. اندازه پروژه نیز باید تابع مطالعات فنی و قراردادهای واقعی فروش باشد. اگر ایران بتواند بخشی از گاز قطر را از جنوب وارد شبکه خود کند و آن را به بازارهای شمال و غرب پیوند بزند، بحران امروز شاید سراغز تغییر مهمی در نقشه انرژی غرب آسیا شود؛ قطری که برای صادرات خود راه دوم پیدا می‌کند، ترکیه و عراقی که به منبع دیگری دسترسی می‌یابند و ایرانی که مزیت جغرافیایی‌اش را از روی نقشه به درآمد، زیرساخت و وابستگی متقابل اقتصادی تبدیل می‌کند.

شده؛ مدالی که می‌تواند به شمار مدال‌های روزهای پایانی کاروان اضافه کند.

■ **پایان بدون مدال برای جودو و یک شانس از دست‌رفته در کشتی**

عباس ابراهیم‌زاده در وزن ۶۵ کیلوگرم کشتی آزاد، پس از شکست در یک‌چهارم نهایی، از مسیر شانس مجدد تا دیدار رده‌بندی پیش‌رفت اما برابر کوتارو کیوکا، قهرمان المپیک از ژاپن، ۳ بر ۲ شکست خورد و دستش از مدال کوتاه ماند. در جودو نیز امیرعباس چوپان پس از صعود تا مرحله رده‌بندی وزن منهای ۹۰ کیلوگرم، مقابل کیم جونگ‌هو از کره جنوبی شکست خورد و بدون مدال به کار خود پایان داد.

این نتایج اهمیت مسابقات بعد برای تثبیت جایگاه ایران در جدول نهایی را افزایش داد. کاروان ایران با این نتایج، روزی موفق را پشت سر گذاشت؛ روزی که نقطه به دلیل ۳ طلای مهم، بلکه به خاطر عبور از رکورد طلای دوره قبل و نزدیک‌تر شدن به رقبای مستقیم در جدول اهمیت داشت. رقابت ایران در روز چهاردهم ادامه خواهد یافت؛ جایی که حفظ موقعیت بالاتر از تایلد و کم کردن فاصله با هند، به یکی از اهداف اصلی کاروان در روزهای پایانی تبدیل شده است.

روز درخشان ایران با ۳ طلا و چند اتفاق تاریخی در ناگویا

جهدش طلایی



ایران بود. او ربیع ابوعریاله از فلسطین و سپس لی از کره جنوبی را هر دو با نتیجه ۱۱ بر صفر شکست داد. نخودی در نیمه‌نهایی نیز ۳ بر صفر مالک شساولیف از قرقیزستان را از پیش رو برداشت و در فینال مقابل هایاتو ایشیگورو، نایب‌قهرمان جهان از ژاپن، ۹ بر ۶ بر برتری رسید. این مدال، نخستین طلای کشتی آزاد ایران در این دوره بود.

■ **والیبال در فینال، واترپلو در مسیر برنز**

تیم ملی والیبال ایران در نیمه‌نهایی با نمایشی یک‌طرفه پاکستان را ۳ بر صفر شکست داد و به فینال رسید. شاگردان پیاتزا ۳ ست را با نتایج ۲۵ بر ۲۵، ۲۵ بر ۱۵ و ۲۵ بر ۱۱



■ **زارع دوباره بر بام آسیا**

امیرحسین زارع در وزن ۱۲۵ کیلوگرم کشتی آزاد، با اقتدار وارد مسابقات شد. او در مبارزه نخست پاماموتو از ژاپن را ۱۰ بر صفر شکست داد و در یک‌چهارم نهایی نیز سپاروف از ترکمنستان را ۱۱ بر صفر کنار زد. زارع در نیمه‌نهایی مقابل حریف قدرتمند قزاق با نتیجه ۳ بر ۳ برنده شد و به فینال رسید. نماینده سنگین‌وزن ایران در دیدار نهایی نیز پیروز شد تا یکی دیگر از طلاهای مهم روز به نام کشتی آزاد ثبت شود.

■ **نخودی؛ اولین طلای کشتی آزاد**

محمد نخودی در وزن ۸۶ کیلوگرم، دیگر چهره طلایی



سبزه‌دهمین روز بازی‌های آسیایی به یکی از مهم‌ترین روزهای این دوره تبدیل شده؛ روزی که ۳ مدال طلا، یک رکورد تازه و چند اتفاق ویژه، موقعیت ایران را در جدول مدالی بهتر و رقابت با هند و تایلد را وارد مرحله‌ای حساس‌تر کرد. ورزشکاران ایران در رشته‌های تکواندو، جودو، پدل، والیبال، واترپلو، تیر و کمان، کشتی آزاد و جوجیتسو به میدان رفتند و در پایان روز، مهم‌ترین دستاورد کاروان، طلایی شدن ساغر مرادی، محمد نخودی و امیرحسین زارع بود؛ ۳ مدالی که اهمیت زیادی برای ورزش ایران داشت.

■ **طلای تاریخی برای تکواندوی زنان**

ساغر مرادی در وزن منهای ۶۷ کیلوگرم تکواندو، اتفاق مهمی را رقم زد. او پس از استراحت در دور نخست، نماینده قرقیزستان را شکست داد و در نیمه‌نهایی نیز از سد وانگ وی‌جیا از چین تاییه گذشت. مرادی در فینال برابر نماینده ازبکستان قرار گرفت و با پیروزی در این مبارزه، نخستین مدال طلای زنان تکواندوی ایران در تاریخ بازی‌های آسیایی را به دست آورد؛ طلایی که یک نقطه تاریخی برای این رشته محسوب می‌شود.

سلام وطن
۶۶۴۱۳۹۴۲

در شبکه‌های اجتماعی



@vatanemrooz

پیامک خوانندگان

۱۰۰۰۲۳۳۱